

مروری بر مفاهیم و مبانی نظری سقط جنین و بررسی آن از دیدگاه فقهی

جواد غلامی^۱، حمید رضانیا^۲

^۱ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشیار جامعه المصطفی، عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، مروری بر ادبیات تحقیق سقط جنین و بررسی آن از دیدگاه فقهی است. روش مورد استفاده در این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از رویکرد اسنادی استفاده گردیده است. یافته‌ها حاکی از آن است که سقط جنین در فقه شیعه قابل قبول نبوده، لکن در گذر زمان و با توجه به مقتضیات زمان و همچنین شرایط حاکم بر جوامع دچار تغییرات اندکی در نظر مراجع تقلید شده است. یافته‌های مقاله حاضر همچنین نشان می‌دهد که در دین مبین اسلام حیات موهبت الهی است و از حقوق اساسی انسان محسوب می‌شود. از دیدگاه مراجع شرعی و قانون‌گذاری سقط جنین تنها در جهت پیشگیری از آسیب‌های قطعی وارده به مادر یا جنین یا کل جامعه جایز شمرده شده و در غیر از این مورد جرم بوده و مجازات دارد.

واژه‌های کلیدی: سقط جنین، آزادی نسبی سقط جنین، حکم تکلیفی در سقط جنین، دیه جنین ساقط شده

۱. مقدمه

متفکران مسلمان گرچه غالباً با رویکرد فقهی و حقوقی به مسئله سقط جنین توجه داشته‌اند ولی با رویکرد فلسفی و الهیات اخلاقی قرآن کمتر بدان پرداخته‌اند. بیشتر فقها، در صورت وجود خطر برای سلامتی مادر، سقط جنین را پیش از نفخ روح مجاز می‌دانند و اگر برای جان مادر خطر داشته باشد، سقط جنین را پس از نفخ روح نیز جایز می‌دانند زمانی که جنین ناقص الخلقه و نگهداری آن باعث عسر و حرج باشد، برخی فقهای اهل تسنن و امامیه سقط آن را پیش از نفخ روح را جایز می‌دانند. سقط جنین از جمله مسایل مناقشه انگیز اکثر نظام‌های حقوقی دنیا است. از یک سو، سنت‌های دینی و ادله کلامی - فلسفی، سقط جنین را مذموم می‌شمارند و از سوی دیگر ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی و تغییر در رفتارهای جنسی افراد جامعه و اهمیت یافتن حقوق فردی، آن را تا حد آزادی مطلق رسانده است.

دین مبین اسلام برای انسان اهمیت و ارزش فراوانی قائل است و جایگاه حقوق والای او در شریعت و قوانین و احکام شرعی که در قرآن و احادیث آمده، تصریح و تثبیت شده است. با توجه به اهمیت و نقش منحصر به فرد انسان در نظام آفرینش، آغاز و فرجام زندگی او، همواره مورد مطالعه اندیشمندان و ادیان که به ادوار زندگی انسان شناسی به عنوان شاخه‌ای از علوم مرتبط با جنین شناسی الهی بوده است و رشد انسان قبل از ولادت می‌پردازد و آگاهی‌های لازم در این خصوص را در اختیار انسان قرار می‌دهد، از عهد یونان باستان و زمان رواقیون به طور جدی مطرح بوده است سقط جنین نیز به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و درمانی، از دیرباز در اکثر جوامع و ملل مرسوم بوده است و بخصوص نوع اجتماعی آن در قرن اخیر، در جوامعی که از حیث اقتصادی و صنعتی پیش رفته‌اند، هرچه بیشتر فزونی یافته و کماکان در حال افزایش است. سقط جنین از معضلات کنونی جوامع بشری است و افزایش سرسام‌آور آن، معلول لجام گسیختگی و آشفتگی‌های روحی است که چهره‌ی جوامع توسعه‌یافته را که از بنیان و زیربنای عقیدتی و یا اخلاقی قابل ذکر برخوردار نیستند، می‌آلاید. در شرع اسلام حیات جنین از هنگام استقرار نطفه در رحم زن و آغاز مراحل رشد و تبدیل شدن آن به علقه، مضغه و غیره حمایت شده و احکام ویژه‌ای برای سقط در هر یک از مراحل جنین بیان گردیده است به طوری که مطابق دیدگاه فقها حتی از بین بردن نطفه که آغاز و منشأ خلقت انسان است، حرام و دیه آن بیست دینار است.

از این رو در پژوهش حاضر محقق با توجه به علاقه مندی به موضوع و مطالعات انجام داده درصدد مرور مفاهیم و مبانی نظری سقط جنین و بررسی آن از دیدگاه فقهی برآمده است. فلذا بررسی مفهوم سقط و سقط جنین و همچنین انواع سقط از نظر فقهی از موارد مورد بررسی برای مبانی سقط جنین در فقه امامیه بوده که سعی شده است تا در این نگارش به آن پرداخته گردد. از سوی دیگر تحولات قانونی سقط جنین در ایران نیز بررسی شده و روایات و برداشت‌های فقها در خصوص سقط جنین ذکر می‌شود. شایان ذکر است این پژوهش در دو بخش مفاهیم و مبانی نظری و همچنین بررسی آن از دیدگاه فقهی تدوین شده است که در ابتدا، به بررسی بخش اول می‌پردازیم.

۲. مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مفهوم «سقط»

ابن فارس در تعریف سقط می‌گوید: «سقط به معنای افتادن است و معنای شایعی که از آن اراده می‌شود، افتادن چیزی است» و نیز می‌گوید: «سقط به معنای افتادن بچه قبل از کامل شدن می‌باشد» [۲، ۳].

۲-۲- مفهوم واژه «جنین»

واژه‌های «حمل» عربی و جمع آن «أحمال» و «حمال» می‌باشد؛ «... و أولات الأحمال أجلهن أن يضعن حملهن...» [۱] و در کتاب الموسوعة الفقهية آمده است: «الحمل يطلق على ما رفع باليد أو على الظهر من المتاع و ما تحمله الأنثى في رحمها من الجنين» اما این عبارت مناقشه است؛ زیرا آنچه را که با دست یا به پشت حمل میکنند؛ حمل میگویند و حال آنکه اطلاق جنین بر آن اصلاقی خاص بر عام خواهد بود و خالی از اشکال نمیباشد و عکس آن اطلاق عام بر خاص خواهد بود که متداولتر و دارای اشکال کمتر است یعنی اطلاق حمل بر جنین [۴]. راغب می گوید: «حمل یک معنی دارد و در موارد و چیزهای زیادی به کار می‌رود» زیرا برداشتن چیزی با دست و یا به دوش گرفتن آن و همچنین حمله جنین، همه‌ی این‌ها در یک

معنی استعمال شده است. البته واژه‌ی «حَبَل» (به فتح باء) به معنی حمل آمده است و به زن حامله، «حَبَلی» گویند، چنانچه در روایات بسیاری از حامل به «حَبَلی» تعبیر شده است [۵]. جنین در اصل یک انسان است، یک فرد انسانی نسبتاً اما نه کاملاً واقعی. اما، جنین همچنین جنینی تام و تمام است، که از نظر معیارهای متناسب به طور کامل رضایت‌بخش است. در حالی که بررسی یک ساختار زیست‌شناختی تام و تمام از ابتدای ایجاد به بعد (کار) درستی است [۶]. واژه‌ی جنین نیز از «جن» گرفته شده است. در مفردات راغب آمده است: «اصل الجن سر الشيء عن الحاسة». به قلب جنان گفته می‌شود چرا که میان بدن پوشیده شده و به سپر، مجن و مجنه‌ی گویند، زیرا صاحب خود را می‌پوشاند و به هر باغی که دارای درختان انبوهی باشد، جنت و جنات گویند، زیرا درخت‌ها روی زمین را می‌پوشانند و در اصطلاح طفلی را گویند که در بطن مادر است و بطن و رحم مادر او را می‌پوشاند و از دید پنهان می‌دارد و جمع آن اجنه است: «و إذ أنتم أجنه فی بطون أمهاتکم» [۱]. بعد از خلق، مراحل جنین است که از نطفه به علقه و از آن به مضغه تا آخر مراحل حمل می‌رسد و مراد از ظلمات ثلاث، ظلمت شکم و رحم و تخمدان است؛ بنابراین، طفل در شکم مادر از سه جهت پوشانده شده است، لذا آن را جنین گویند و او مادامی که در رحم مادر است؛ جنین است و پس از تولد از سر و پوشش بیرون می‌آید و اطلاق جنین بر او درست نیست [۵].

این منظور می‌گوید: «فرزند تا هنگامی که در رحم مادر است، جنین نام دارد، چون در آنجا پوشیده و پوشانده شده است» [۷]. دهخدا «جنین» را یک کلمه «عربی» معرفی نموده و آن را این گونه معنا کرده است: «بچه که در شکم مادر باشد. بچه اندر شکم. مرده در گور. هر چیز پوشیده» عمید نیز در لغتنامه‌اش معنی لغت «جنین» را اینگونه آورده است: «فرزند هر موجود مهره‌داری که در رحم یا تخم قرار دارد و پس از رسیدن به مرحله خاصی از تکوین از جای خود خارج می‌شود؛ رویان» [۸]. همان‌طور که ملاحظه شد، واژه جنین که بر وزن فعیل و صفت مشبیه است، به معنای «پوشیده شده» می‌باشد و نیز به بچه‌ای که در شکم مادر است، اطلاق می‌گردد، چون از نظرها پنهان می‌باشد [۹].

۲-۳- مفهوم سقط جنین

سقط جنین از جمله مسایل فراگیر در تمامی جوامع مختلف بشری است که نه تنها نیازمند بررسی‌های همه جانبه‌ای از لحاظ پزشکی و بهداشتی است؛ بلکه معلول علت‌های بیشماری است که در محدوده‌های مختلف فقهی، حقوقی، کیفری، اجتماعی، روانشناسی، روان‌پزشکی و اقتصادی قابل بررسی است و ضروری می‌نماید در طرح آن تمامی ابعاد موجود مورد دقت و بررسی قرار گیرد [۱۰]. اسقاط در لغت به معنی افتادن بر زمین؛ از ریشه «سقط» ساخته شده است و «سقط» جنین یعنی افتادن جنین از شکم مادر روی زمین و اسقاط جنین، یعنی انداختن جنین بدون این که دوره حیات او در شکم مادر به اتمام رسیده باشد [۷]. چنانچه در اصطلاح پزشکی نیز سقط جنین، خارج شدن حاصل باروری از رحم مادر، درحالی که آن موجود قادر به زندگی کردن در خارج از آنجا نیست؛ اطلاق می‌شود. در گذشته برخی از نویسندگان، زمان را در اطلاق سقط

مؤثر می‌دانستند؛ ولی امروزه، توقف ادامه‌ی بارداری در هر مرحله‌ای از آن اسقاط جنین محسوب و قابل مجازات است. لذا اسقاط جنین عبارت است از: خاتمه‌ی بارداری به هر طریقی قبل از رسیدن جنین به مرحله-ی حیات. در نوشته‌های فقهی نیز واژه‌ی اسقاط آمده و در بسیاری موارد از واژه‌ی اجهاض استفاده شده که از نظر معنا با اسقاط برابر است. لذا، به نظر می‌رسد که به کار بردن عنوان اسقاط از سقط در مورد بررسی فقهی-حقوقی این مسئله بهتر باشد. زیرا همان‌گونه که اشاره شد؛ سقط یعنی افتادن و اسقاط یعنی انداختن و در این جا بحث در افتادن جنین از شکم مادر نیست که البته این بحث غالباً در موضوعات پزشکی بررسی می‌شود بلکه بحث در انداختن جنین است [۱۱].

در برخی نظام‌های حقوقی جهان، مانند ایالات متحده‌ی آمریکا، اسقاط را به ختم حاملگی کمتر از ۱۱ هفته و یا دفع جنین کمتر از پانصد گرم اطلاق نموده‌اند. همچنین بنابر تعریف سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۷۷ در مورد اسقاط جنین چنین آمده است: «خروج یا بیرون کشیدن جنین با وزن پانصد گرم یا کمتر از بدن مادر که معادل هفته‌ی بیستم الی بیست و دوم حاملگی است.» متعاقباً اسقاط جنین جنایی نیز اسقاطی است که قانونی نباشد و از آنجا که قوانین کشورهای مختلف، متفاوت‌اند؛ لذا نمی‌توان تعریف واحدی برای آن ارائه نمود [۱۲]. در کتب فقهی تعریفی از جرم سقط جنین ارائه نشده است و اغلب فقها در بحث دیات و لواحق دیات خود تنها به بیان موضوع و ذکر احکام سقط جنین بسنده کرده‌اند، به طور مثال: امام خمینی (رحمة الله علیه) در جلد دوم کتاب «تحریر الوسیله» در مبحث دیات، تحت عنوان لواحق دیات، به مراحل مختلف حمل و دیه آن در صورت اسقاط در آن مرحله اشاره نموده‌اند، و یا آیت الله خویی در کتاب «تکملة المنهاج» به بحث درباره دیه حمل پرداخته است. به هر حال، با توجه به مطالب عنوان شده در متون فقهی پیرامون جنین و سقط جنین، می‌توان سقط جنین را چنین تعریف نمود: خارج نمودن غیر طبیعی جنین یا حمل، قبل از موعد طبیعی زایمان، به گونه‌ای که زنده یا قابل زیستن نباشد را سقط جنین گویند [۱۳].

بنابر قول فقها باید گفت، براساس تقسیم‌بندی دوران حیات، جنین دو نوع است: الف) جنینی که حیات انسانی از آیه ۶ سوره سجده و آیه ۲۹ سوره حجر چنان بر می‌آید که روح امری است ویژه‌ی انسان، و منظور از آن حیات عام و مشترکی که در حیوانات و گیاهان یافت می‌شود، نیست. البته علم جدید بحث از روح و ماهیت آن را کنار نهاده و به دنبال پدیده‌هایی است که آن را ظهور روحی می‌نامیم. البته باید اشاره کرد که مسئله‌ی روح امری است ناشناخته برای بشر؛ چرا که خداوند آن را در آیه ۸۵ سوره اسراء به امر خود تعبیر نموده و همین جوهره است که سبب تفاوت انسان با سایر موجودات گردیده است. حال در مورد این که جنین از کدام مرحله به انسان تبدیل می‌شود؛ آنچه از آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون بر می‌آید این است که جنین آن هنگام به انسان تبدیل می‌شود که خداوند خلقتی دیگر را عارض آن کند؛ خلقتی که او را به موجودی متمایز از دیگر حیوانات تبدیل می‌کند و او را مناسب نام و عنوان «انسان» می‌سازد. لذا از آنچه تاکنون بیان شد، دانستیم که جنین پس از آنکه روح در آن دمیده شد، خلقتی دیگر می‌یابد. این امر پس از طی مرحله‌ی «سواه» یا به تعبیر دیگر، پس از آنکه خلق جسم یا تمامی اعضایش پایان یافت، صورت می‌گیرد. اسقاط جنین بعد از آنکه به تعبیر قرآن خلقتی دیگر یابد (ثم أُنشأناه خلقاً آخر)، یا بعد از آنکه خداوند از روح خود در آن بدمد و به انسان تبدیل شود، قتل نفس به شمار می‌آید، که جز در مواردی خاص، حرام شده است و احکام و قوانینی که شرع اسلام در مورد قتل انسان آورده است؛ از جمله قصاص، دیه و کفاره، آن را شامل می‌شود [۴].

در کتاب وسایل الشیعة، روایتی از محمدبن یعقوب به اسنادش از امیر مؤمنان علی(ع)، نقل شده است که آن حضرت فرمود: «دیه‌ی جنین چهل دینار است، منی مرد تا زمانی که به جنین تبدیل شود پنج جزء است. تا وقتی که جنین است و هنوز روح به او تعلق نیافته، صد دینار؛ زیرا خداوند متعال انسان را از سلاله خلق کرده که همان نطفه است؛ سپس سلاله به علقه تبدیل می‌شود؛ علقه به مضغه تبدیل می‌گردد؛ پس از آن

استخوان در جنین پدید می‌آید؛ و سپس گوشت بر استخوان می‌روید و خلق جنین کامل و پنج جزء تکمیل می‌شود. برای این پنج جزء صد دینار است. صد دینار پنج قسمت است. دیهی نطفه یک پنجم این صد دینار است که می‌شود بیست دینار، دیه‌ی علقه دو پنجم صد دینار، یا چهل دینار است. دیه‌ی مضغه سه پنجم صد دینار، یا شصت دینار است. دیه‌ی استخوان چهار پنجم یا هشتاد دینار و دیه‌ی جنین که بر استخوان‌هایش گوشت روییده، صد دینار کامل است. پس وقتی «خلق آخر» (که همان روح است) پایان یافت دیه‌ی نفس کامل را دارد؛ یعنی اگر پسر باشد هزار دینار و چنانچه دختر باشد پانصد دینار [۱۴].

گروهی از فقهای امامیه، از جمله محقق حلی بر طبق مضمون روایت ذکر شده، فتوا داده‌اند. محقق حلی در شرایع چنین می‌گوید: «نظر چهارم در لواحق چهارگانه‌ی این بحث است. اول، در جنین. دیه‌ی جنین مسلمان صد دینار است، در صورتی که جنین کامل شده باشد؛ ولی هنوز روح به آن تعلق نگرفته باشد. این حکم برای جنین پسر یا دختر یکسان است. چنانچه روح به جنین تعلق گرفته باشد؛ دیه‌ی کامل برای پسر و نصف آن برای دختر پرداخت می‌گردد. وجوب این حکم در صورتی است که به زنده بودن جنین یقین حاصل شود و سکون پس از حرکت، معتبر نیست؛ زیرا ممکن است بر اثر باد باشد.

۲-۴- مفهوم فقهی جنین

انسان را اگر موجودی زنده بدانیم که گونه جانوری خاصی به شمار می‌آید، در واقع آن را با دو ویژگی شناسایی کرده‌ایم: یکی پیکر ظاهری و ساختار زیستی خاص مربوط به گونه خاص جانوری و دیگری حیات. از این رو صدق عنوان انسان بر یک موجود تنها با صدق هر دو رکن تعریف ممکن خواهد بود [۱۵]. رکن نخست تعریف، مفهومی کاملاً زیست‌شناختی است [۱۶].

از این منظر هرچند نطفه و رویان به موجب آنکه مبدأ پیدایی گونه انسانی به شمار می‌آیند واجد احترام اخلاقی و حقوقی‌اند، اما این به معنای صدق عنوان انسان بر آن‌ها یا برخورداری از حقوق یک انسان کامل نیست. رویان اگر از مرحله سلول‌های تولید مثل یا نطفه عبور کرده و پیکره‌ای انسانی بیابد واجد نخستین رکن تعریف انسان خواهد بود. طبعاً در خصوص حمل که نفس به شمار می‌آید با مشکلاتی روبرو خواهد بود و هر ضرری نمی‌تواند مجوز کاهش به شمار آید و تنها در صورت احتمال جدی ضرر به جان مادر است که می‌توان حکم به جواز سقط حمل داد. چندان که ماده ۶۲۳ کتاب تعزیرات نیز به آن اشاره دارد. از سوی دیگر این قاعده پیش از فحص در مورد راه حل دیگر و یأس از یافتن آن جریان ندارد، [۱۷]. لذا راه حلی برای کنترل شرایط در میان باشد، نمی‌توان به حکم آن عمل کرد. این در حالی است که در مسأله کاهش جنین قاعده لاضرر هرچند می‌تواند جان مادر را بر جنین مقدم بدارد، اما نمی‌تواند ملاکی برای انتخاب میان جنین‌ها به دست دهد، مگر آنکه ضرر را بتوان ناشی از یکی از جنین‌ها دانست، یا ضرر یکی از جنین‌ها را بیش از بقیه جنین‌ها دانست، زیرا لاضرر هرچند می‌تواند به نفی ضرر حکم کند، اما در مقام برابری طرفین نمی‌تواند تقدم یکی بر دیگری را مشخص کند. شاید برخی از موارد مندرج در فهرست سال ۱۳۸۲ قوه قضاییه را بتوان در این حوزه جای داد. مواردی چون بیماری و ناهنجاری‌های منجر به مرگ داخل رحم یا بلافاصله بعد از تولد که رنجی بی‌حاصل را به مادر تحمیل می‌کند. نکته قابل توجه در قاعده لاجرح آن است که این قاعده چندان که همگی بر آن اتفاق نظر دارند با ادله حرمت نفس تخصیص می‌خورد [۱۸] و نمی‌تواند در جایی جریان یابد که جان یا سلامت دیگری در مخاطره قرار می‌گیرد. از این رو در مورد حمل نمی‌توان به استناد لاجرح قائل به سقط شد. در عین حال این قاعده نیز نمی‌تواند ملاکی را برای انتخاب میان جنین‌ها به دست دهد، مگر آنکه حرج ناشی از یکی از آن‌ها باشد. از اطلاق ماده ۶۲۳، چنین بر می‌آید که موضوع این ماده به خلاف ماده واحده محدود به پیش از ولوج روح نبوده و اگر حفظ جان را موقعیت دفاع قلمداد کنیم، فرد مجاز خواهد بود، موجودی را که جاننش را به مخاطرات انداخته است، دفع کند، حتی اگر به قیمت جان او تمام شود. از این رو اگر

مخاطره جانی برای مادر وجود داشته باشد، از باب دفاع، حمل را نیز می‌توان سقط کرد. پذیرش امکان استناد به دفاع در مسأله سقط جنین دو مسأله را در پی خواهد داشت: یک این که فرقی بین مرحله پیش از ولوج روح و پس از آن نخواهد بود؛ دوم این که پرداخت دیه در خصوص سقط جنین نیز منتفی خواهد شد، چندان که در ماده ۷۱۸ کتاب دیات نیز همین مطلب مشاهده می‌شود [۱۹]. سقط جنین از دو کلمه سقط و جنین تشکیل شده و سقط، کلمه‌ای عربی است که در زبان فارسی به بچه نارس که قبل از تولد از شکم مادر بیفتد، «سقط» گویند. این کلمه از مصدر سقوط گرفته شده و سقوط به معنای وقوع، افتادن و ریزش آمده است [۲۰]. لفظ اجهاض مترادفات دیگری مانند القاء، طرح، املاص و ازلاق دارد. با بررسی‌های انجام شده، از بین فقهای اهل سنت فقط شافعی لفظ اجهاض را به کار برده است. که البته درباره آن یافت نشد. جنین کلمه‌ای عربی و بر وزن فاعیل و به معنای پوشیده و پنهان شده است. اگر زنده متولد شود، «ولد» نامیده می‌شود و اگر مرده متولد شود «سقط» گویند و به طور مطلق به او «جنین» می‌گویند. تعریف دیگر جنین است که محصول حاملگی را که مبدأ آن ابتدای بارداری و انتهای آن لحظه ماقبل ولادت است، به دلیل اینکه به وسیله زهدان پوشیده شده است، «جنین» نامیده‌اند. در قرآن مجید نیز در مورد این پوشش، آیاتی وارد شده است: «يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» [۱] و «... إِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ...» [۱]. کلمه جَنَّة جمع آن «اجنه و اجنن» است و تا زمانی که در شکم است و زاییده نشده است، به آن، «جنین» اطلاق می‌شود [۷].

۲-۵- تعریف پزشکی سقط جنین

سقط جنین در اصطلاح پزشکی عبارت است از خروج (یا اخراج) جنین پیش از آنکه قابلیت حیات مستقل داشته باشد و چون جنین قبل از شش ماهگی قادر به ادامه حیات مستقل نیست؛ بنابراین اگر تا قبل از ماه ششم بارداری از رحم خارج شود، آن را سقط شده تلقی می‌کنند و اگر جنین از ماه ششم به بعد به دنیا بیاید، هر چند قابلیت حیات دارد؛ شانس زنده ماندنش به علت نارس بودن کم است [۲۱]. جنین موقعی سقط می‌شود که در داخل رحم مرده و در نتیجه تمام و یا قسمتی از جدار رحم کنده شده باشد و رحم به ناچار برای خارج ساختن آن منقبض شده و تولید درد کند که این دردها به علت انقباض عضله رحم است و در مجموع، اصطلاح سقط جنین را اخراج قبل از موعد جنین به نحوی که قابل زیستن نباشد.

۲-۶- انواع سقط جنین از نظر فقهی و پزشکی

سقط جنین به سه صورت قابل تصور است:

طبیعی (مرضی، خودبخودی، تکراری، عادت، غیر ارادی)؛

درمانی (طبی، قانونی)؛

جنایی [۹].

۲-۶-۱- سقط جنین طبیعی

سقط خودبخودی فرآیندی طبیعی است که در بارداری ناموفق پیش می‌آید. اما سقط القا شده ممکن است به علت استفاده از دارو یا دیگر مواد یا عمل جراحی که باقی مانده محتویات رحمی را پاک سازی می‌کند. اتفاق افتد. برای دو سوم از زنان جهان سقط جنین قانونی میسر است. با این حال، برخی کشورها همچنان از قوانین محدود کننده سقط استفاده می‌کنند. در ایالات متحده آمریکا طی سه ماهه اول حاملگی، انجام سقط بنا به درخواست مادر مجاز است؛ ولی در حالات دیگر، قوانین انجام آن توسط ایالت به طور جداگانه مشخص می‌شود. کلمه سقط در لغت به معنی افتادن، سقوط کردن، انداختن، خارج شدن و از بین رفتن است [۲۲].

در برخی از خانم‌ها به دلیل ارثی، ساختاری، ابتلا به بیماری‌های گوناگون مانند فشار خون، عفونت‌ها، اختلال‌های هورمونی، اختلال‌های جفت و جنین از جمله اختلال‌های ژنتیکی و ناهنجاری‌های کروموزومی، سقط به صورت خودبخودی صورت می‌پذیرد [۲۳]. عواملی از قبیل بیماری‌های عفونی، وجود ضایعات رحمی، مسمومیت‌های دارویی

همچنین عوامل روانی از جمله غم و شادی هیجان و اضطراب و عوامل فیزیکی در شکل‌گیری جنین و شخصیت وی مؤثرند. در صورتی که ادامه حاملگی برای مادر خطر جانی در برداشته باشد یا موجب تشدید عوارض مرضی و وخامت حال او شود تا قبل از ولوج روح، عمل کورتاژ طبی با اظهار نظر پزشکی قانونی و مقام قضایی صورت می‌پذیرد. در قانون مجازات عمومی سابق، چنین چیزی پیش‌بینی شده بود. معمولاً وقتی که مادر بیماری قلبی داشته باشد و یا بیماری‌های مزمن کلیه و ... این اجازه داده می‌شود. در این باره از محضر امام راحل استفتایی صورت گرفته است بدین شرح: «زنی حامله شده است و اکنون یک و ماه و نیم دارد. دکترها می‌گویند حاملگی برای مادر خطر جانی دارد و موجب فلج شدن وی خواهد گشت. آیا سقط جنین برای چنین مادری جایز است یا خیر؟» ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «اگر ضرر و خطر جانی برای مادر دارد، قبل از دمیده شدن روح در جنین اسقاط جایز است» [۲۴].

البته نکته قابل بحث و اشکال در این زمینه این است که آیا در جایی که مادر مسئولیت یک خانواده را به طور کلی به عهده دارد چه بسا از بین بردن او مفسده عظیم‌تری از مفسده سقط واقع شود، در این صورت تکلیف چیست؟ گفتنی است در یک سمینار علمی حقوقی که در سال ۱۹۶۸ در آمریکا پیرامون سقط جنین برگزار شد، پیشنهاد گردید در موارد زیر سقط جنین مجاز باشد: [۲۱].

۱. در خطر بودن حیات مادر؛
 ۲. وجود بیماری جسمی یا روحی در زن حامله که شایستگی حضانت طفل را از او سلب می‌کند؛
 ۳. ناقص الخلقه بودن جنین؛
 ۴. جنین ناشی از تجاوز یا زنا با محارم؛
 ۵. جنین زن حامله ۵۳ ساله یا کمتر و بدون شوهر؛
 ۶. هنگامی که زن حامله قبلاً چهار بار زاییده باشد هر چند هیچ یک از آنها زنده نباشند.
- این نوع از لحاظ قانونی مجازاتی را در بر نخواهد داشت، آنچه این نوع سقط جنین را از موارد مشابه متمایز می‌سازد فقدان عنصر اراده و فعل یا عنصر مادی اعم از عمد یا غیر عمد در بروز سقط است به همین علت آن را سقط طبیعی یا غیرارادی گویند. سقط جنین طبیعی یا غیر ارادی علیرغم میل و خواسته زن و شوهر و یا هر شخص دیگر است. در این نوع سقط جنین هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه مادر و دیگران نخواهد بود [۹].

۲-۶-۲- سقط جنین درمانی یا طبی

گاه مادر به بیماری‌هایی مبتلاست که ادامه بارداری برای سلامت بسیار خطرناک است یا جنین موجود در رحم دچار ناهنجاری‌هایی شده که با حیات جنین منافات دارد و بعد از زایمان قادر به حیات نباشد که در این موارد با انجام مقدمات لازم پزشکی اجازه سقط‌های درمانی صادر می‌شود، اما وجود سه شرط اساسی لازم است: الف) ادامه بارداری برای جان مادر خطرناک باشد؛ ب) سقط قبل از ولوج روح صورت پذیرد؛ ج) خود عمل سقط جنین برای مادر خطر بیشتری در بر نداشته باشد [۲۳].

۲-۶-۳- سقط جنین ضروری

در بسیاری موارد زن به علل ژنتیکی، تشریحی، مرضی و یا علل نامعلوم دیگری دچار سقط می‌شود و با پیشامد کوچکی در زندگی مانند احساسات و عواطف شادی بخش یا تأثیرانگیز و یا مشاهده یک صحنه تصادف یا دعوا بدون آنکه ربطی به آن داشته باشد یا مورد ایراد ضرب یا حمله مستقیم قرار گیرد، سقط جنین می‌کند. اغلب این بانوان هول و تکان را موجب سقط جنین خود ذکر می‌کنند. اما از نظر پزشکی قانونی چندان مسموع و قابل پذیرش نیست؛ زیرا این گفته زنان اگر زمینه قبلی برای سقط جنین نداشته باشند، تا جنین آنان مورد صدمه قرار نگیرند، سقوط واقع نمی‌شود [۲۱].

۲-۶-۴- سقط جنین جنایی

این نوع سقط به حالات مختلفی امکانپذیر است.

اول، اخراج جنین پیش از موعد طبیعی توسط مادر با دستکاری رحم یا خوردن دارو یا ضربه عمدی. دوم، دستکاری رحم یا تجویز داروی ساقط کننده توسط اشخاص دیگری غیر از مادر. سوم، انجام سقط با وسایل مخصوص توسط پزشک یا ماما یا افراد غیرمجاز و قطع حاملگی بدون مجوز قانونی. چهارم، قصد جنایت از طرف زن یا راهنما یا عامل سقط [۲۱]. شخص ساقط کننده و یا کسی که تشویق و ترغیب به این کار کرده و افرادی که به نحوی از انحاء در تهیه وسایل یا دارو دخالت و همکاری داشته‌اند، قابل تعقیب کیفری خواهند بود.

۲-۶-۵- شرایط سقط جنین جنایی

عملیات منجر به اخراج جنین قبل از موعد طبیعی زایمان انجام پذیرد؛ این کار از طریق بکارگیری وسایل مصنوعی یا اعمال فیزیکی از سوی مرتکب انجام می‌شود؛ قصد جنایت.

در این حالت سقط جنین به طور مطلق جایز نیست به طوری که می‌توان بیان داشت در این احتمال می‌توان ادعا کرد جنین یک «نفس انسانی» است و در اطلاق کلمه انسان بر آن، فرقی بین کوچک و بزرگ، جنین و غیر جنین، قبل و بعد از حلول روح در آن وجود ندارد. اگر جنین مثل سایر انسان‌ها دارای نفس است، پس اجازه نداریم برای حفظ یک نفس، نفس دیگری را به قتل برسانیم. به عنوان مؤید می‌توان گفت از روایات باب «تقیه» و «اضطرار» این معنا استفاده می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: «تقیه برای حفظ جان انسان وضع شد. از این رو اگر تقیه، به ریختن خون دیگری منتهی شود دیگر تقیه جایز نیست» [۲۶].

از این روایت استفاده می‌شود می‌توان استفاده کرد که انسان اجازه ندارد برای حفظ جان مادر، جنین را از بین ببرد، زیرا دلیلی وجود ندارد تا بیان امام (ع) در روایت بالا، فقط در مورد تقیه باشد، زیرا تقیه خصوصیتی ندارد و آنچه از نظر امام (ع) اهمیت داشته بیان این موضوع بوده که جان انسان آن قدر اهمیت دارد که تقیه برای حفظ جان او تشریع شده است. علاوه بر این ممکن است در روایت بالا معنای عام تقیه اراده شده باشد. توضیح این که هرچند تقیه به معنای «حفظ نفس از هر شر و ناپسند» می‌باشد، لکن معنای لغوی آن اعم از این بوده و برای معانی «دوری، پرهیز نمودن و ترسیدن» نیز بکار می‌رود [۹].

۳. سقط جنین از دیدگاه فقهی

۳-۱- اسقاط جنین از دیدگاه فقه‌های اهل سنت

۳-۱-۱- احکام تکلیفی اسقاط جنین

از نگاه فقه‌های اهل سنت در متون دینی، متنی وجود ندارد که در بردارنده‌ی بیان حکم اسقاط عمدی جنین باشد و تنها چیزی که در این باره تحت شرایطی می‌توان به آن استناد جست، این آیه از قرآن کریم است که مربوط به قتل نفس می‌باشد: «و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً و غَضَبَ اللّٰهُ علیه و لعنه و أعد له عذاباً عظیماً» [۱]. همچنین آیه دیگری را نیز مورد استناد قرار می‌دهند که از این قرار است: «وَلَا تَقْتُلُوا النَفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّٰهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» [۱].

در سنت پیامبر (ص) نیز تنها پاره‌ای روایات وجود دارد که اسقاط جنین حکم به وجوب «غره» (عبد ابیض) (بنده‌ی مرد سفید پوست) یا امه بیضاء (بنده‌ی زن سفید پوست) است که به عنوان جریمه‌ی اسقاط جنین باید پرداخت شود) کرده‌اند و چیزی بیش از این وجود ندارد. لذا اختلاف آرای موجود بین مذاهب اربعه‌ی اهل سنت ناشی از این ادعاست. به طور کلی فقه‌های اهل سنت (مانند فقه‌های شیعه) دوره‌ی زندگی جنین را به دو مرحله‌ی قبل و بعد از دمیده شدن روح در آن تقسیم

کرده‌اند. مراحل پیش از دمیده شدن روح، سه مرحله‌ی نطفه، علقه و مضغه می‌باشد که به استناد به آیات قرآن [۱] و احادیث پیامبر (ص) می‌باشد از پیامبر (ص) نیز نقل کرده‌اند: «همانا خلقت هر یک از شما در شکم مادرش چهل روز به صورت نطفه است و سپس چهل روز نیز علقه است، آنگاه چهل روز نیز مضغه است، سپس خداوند روح را در او می‌دهد» [۲۶].

به طور کلی حیات جنین به دو بخش تقسیم گردیده است، پیش از دمیدن روح که در آیه شریفه مذکور پیش از «ثم انشأناه خلقاً آخر» و در روایت با «ثم ینفخ فیہ الروح» به آن اشاره شده است و پس از دمیدن روح که در آیه شریف با «ثم انشأناه خلقاً آخر» و در روایت با «ثم ینفخ فیہ الروح» به آن اشاره شده است.

۳-۱-۲- اسقاط جنین پیش از دمیدن روح

(الف) مذهب حنفی: در مذهب حنفی در این راستا سه نظریه وجود دارد.

اول، جواز اسقاط عمدی جنین. اسقاط جنین بعد از ظهور حمل مادامی که در آن روح دمیده نشده باشد، مباح و جایز است و در اصطلاح و عبارت احناف، منظور از خلقت همان نفخ روح است [۲۷]. لذا قبل از ولوج روح اسقاط جنین با عذر یا تعمداً جایز است [۴].

دوم، جواز اسقاط عمدی جنین ولی مکروه بودن آن از نظر شرعی. زیرا منی پس از واقع شدن در رحم سرانجام انسان خواهد شد [۲۸].

سوم، حرمت اسقاط عمدی جنین. زیرا همان‌گونه که اگر محرم در ایام حج تخم صید را بشکند ضامن است. چرا که اصل و اساس صید محسوب می‌شود، اینجا نیز جنین اصل انسان است ولیکن در صورت وجود عذر اسقاط جایز خواهد بود [۲۷].

(ب) مذهب مالکی: در اینجا نیز سه نظر وجود دارد:

اول، جمهور فقهای مذهب مالکی بر این باورند که پس از استقرار منی در رحم زن، اسقاط جایز نیست، اگرچه پیش از چهل روز (مرحله‌ی نطفه) باشد [۲۹].

دوم، پاره‌های دیگر که اسقاط جنین پیش از دمیدن روح مانعی ندارد، البته در صورتیکه جنین از زنا باشد و به ویژه این احتمال وجود داشته باشد که با ظهور بارداری زن، وی به قتل برسد [۲۹].

سوم، برخی دیگر، مانند لخمی، اسقاط جنین را پیش از دمیدن روح، پیش از چهل روز، مجاز میدانند ولی پس از آن را مجاز نمی‌دانند. مالک نیز در موطأ روایتی را از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌نماید: «اگر جنین پس از دنیا آمدن گریه نکند نمی‌توان گفت زنده است؛ اما اگر از شکم مادرش زاده شود و گریه کند و سپس بمیرد، دیه‌اش کامل است» [۳۰].

۳-۱-۳- اسقاط جنین پس از ولوج روح

از دیدگاه مذهب فقهی اهل سنت، اسقاط عمدی جنین پس از دمیده شدن روح حرام است [۲۶]. کیفیت سخنان فقیهان در این باره مطلق است و در برگیرنده‌ی موردی که بارداری مادر موجب مرگ وی می‌شود، نیز هست. بعضی از فقهای اهل سنت نظیر ابن حزم در این باره، علاوه بر حکم به حرمت، حکم به وجوب قصاص نیز داده‌اند [۲۶] با توجه به نوشته‌های فقهی اهل سنت می‌توان دو مبنا را به عنوان دلیل حرمت اسقاط جنین در این مرحله به دست آورد:

اول، جنین در این مرحله دارای نفس محترمه است؛ زیرا هم از نظر جسمانی کامل شده و هم روح در آن دمیده شده است [۳۱]. بنابراین مشمول آیه شریفه «ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق» [۱] می‌شود. لذا از دیدگاه برخی دانشمندان اهل سنت، چنانچه کسی موجب اسقاط جنین شود و او زنده از مادرش جدا شود و آنگاه بمیرد، مرتکب آن قصاص می‌شود؛ زیرا موجب قتل نفس گردیده است [۲۶].

دوم، ممنوع بودن اسقاط عمدی جنین، برای «حفظ نسل» است [۳۱]. زیرا از نظر اهل سنت احکام شرع برای حفظ پنج مقصود جعل شده‌اند که عبارتند از: دین، نفس، نسل، مال و عقل. بر این پایه، جواز اسقاط عمدی جنین: با هدف شارع که حفظ نسل و همینطور حفظ نفس است، ناسازگار خواهد بود. لذا از دیدگاه اهل سنت، اسقاط عمدی جنین در این مرحله با عنایت به دلایل نقلی و عقلی یاد شده ممنوع است.

۳-۲- توجیه اسقاط جنین در صورت اضطرار

پاره‌ای از نوشته‌های فقهی معاصر اهل سنت اسقاط عمدی جنین را در صورت تهدید جان مادر جایز می‌دانند. از جمله گفته‌اند: زندگی مادر نسبت به زندگی جنین استقرار یافته و محقق است، عقل در شرایط تعارض میان موجودی که زندگی‌اش استقرار یافته و موجودی که هنوز زندگی‌اش استقرار نیافته، زندگی موجودی را ترجیح می‌دهد که زندگی‌اش استقرار یافته است. اما بر این استدلال اشکال وارد است. آیا مراد از استقرار حیات دوران بارداری است یا هنگام وضع حمل؟ اگر منظور دوران بارداری است که زندگی جنین نیز استقرار دارد و تحقق یافته است و تفاوتی با مادر ندارد و اگر منظور هنگام وضع حمل است، زندگی جنین در آن هنگام یقینی نیست؛ همانگونه که زندگی مادر نیز در آن هنگام یقینی نیست. بر این پایه، تفاوتی میان زندگی جنین و زندگی مادر وجود ندارد و نمیتوان زندگی مادر را بر زندگی جنین، برتری داد. گاهی برای توجیه برتری دادن جان مادر در مقایسه با جان جنین، جنین استدلال می‌شود:

اولاً. مادر در مقایسه با جنین اصل است و جنین فرع و طبق فتوایی که از اهل سنت وجود دارد، چنانچه اصل، فرع را به قتل برساند اصل، قصاص نمی‌شود [۳۲].

ثانیاً. بیشتر فقیهان اهل سنت بر این باورند که کشتن جنین (اگرچه عمدی) موجب قصاص نمی‌شود، البته در صورتیکه جنین میت و بی‌جان، ساقط شود.

ثالثاً. به نظر برخی مذاهب فقهی اهل سنت، مانند احناف، نفس جنین برابر و هم سنگ نفس تولد یافته مانند مادر نیست؛ جنین از آن رو که روح در آن دمیده شده نفس نامیده می‌شود ولی از آن رو که وجود مستقل ندارد و جزیی از مادر به شمار می‌آید، نفس نامیده نمی‌شود [۳۳].

۳-۳- دیدگاه فقها

علیرغم اینکه بسیاری از فقه‌های معاصر شیعه قائل به جواز سقط جنین ناشی از زنا و تجاوز به عنف، قبل از ولوج روح در جنین هستند، اثر درمانی و عسر و حرج ناشی از آن را نادیده گرفته است. در ادامه به این دیدگاه‌ها اشاره می‌نماییم:

۳-۳-۱- دیدگاه فقه‌های امامیه

بطور کلی فقه‌های شیعه و مراجع عظام تقلید در زمینه اسقاط جنین در مورد زنی که تحت هتک ناموس یا تجاوز به عنف قرار گرفته یا حتی در اثر زنا با رضایت باردار شده است، تفاوتی قائل نشده‌اند و معتقدند اسقاط جنین، جایز نیست، مگر با شرایطی. در اینجا به دو نظر بصورت نمونه اشاره می‌گردد:

۱. آیت الله فاضل لنکرانی در پاسخ استفتایی در مورد جواز سقط حمل از زنا معتقد بودند: «بلی، اگر روح در آن دمیده نشده (قبل از چهار ماهگی) و مراحل اولیه را طی میکند، در صورتی که دختر اطمینان دارد و احتمال عقلایی بدهد که اگر جنین را سقط نکند مورد اذیت و آزار غیر قابل تحمل قرار می‌گیرد و در عسر و حرج شدید واقع میشود، در چنین فرضی بعید نیست که سقط جنین حرام نباشد.» [۳۴].

۲. آیت الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «حاملگی در اثر تجاوز جنسی قطعاً فشار روحی زیادی به مادر تحمیل می‌کند. به طوری که هم در دوران حمل و هم بعد از تولد کودک نامشروع، مادر دچار عسر و حرج شدید می‌شود. لذا بعید نیست در این مورد بتوان قائل به جواز سقط جنین شد» [۳۵].

اهم شرایط پیش گفته بدین شرح است که فقه‌های مورد نظر معتقد به یکی یا چند تا از آنها می‌باشند:

۱. قبل از چهار ماهگی یا تا قبل از دمیده شدن روح

۲. برای جلوگیری از تضییع آبرو و حیثیت

۳. به جهت رفع حرج یا حرج شدید

۴. با فرض توبه

۵. رعایت اهم در مقابل مهم

۶. ضرر مهم جسمی و روحی برای مادر

۷. سخت بودن بارداری نامشروع برای دختر

۸. لطمه به آبروی خانوادگی دختر.

لازم به ذکر است فتاوی فقها در زمینه حرمت سقط جنین نامشروع بدلالی همچون آیه سوره اسراء که می‌فرماید «هیچ کس گناه دیگری را به دوش نگیرد» مستند است، پس هر کس مسؤول گناه خویش است؛ لذا جایز نیست حیات بی‌گناهی را قربانی شخص گناهکار دیگری کرد.

۳-۲- دیدگاه فقهای اهل سنت

فقهای اهل تسنن نیز سقط جنین نامشروع را جایز نمی‌دانند مگر بعضی از فقهای شافعیه که جایز بودن سقط جنین نامشروع را مشروط نموده‌اند به:

۱. توبه کردن زن زناکار؛

۲. متوجه شدن ضرر و زیان فاحش بر عدم سقط [۳۶].

برخی از فقهای اهل سنت معتقدند باتوجه آیه ۱۵ سوره مبارکه اسراء شرع اجازه نمی‌دهد که به واسطه‌ی گناه کسی حیات دیگری به خطر افتد و همچنین روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است، که زن باردار رجم نمی‌شود تا آنکه وضع حمل کند، چه حمل او از زنا باشد یا غیرزنا، بنابراین جوازی برای این امر وجود ندارد [۳۲].

فقهای اهل تسنن نیز در عدم جواز سقط جنین نامشروع به ادله‌ای رجوع نموده‌اند که اهم آن‌ها بدین شرح است:

۱. سقط جنین به قصد پنهان کردن عمل زنا و فحشا جایز نیست.

۲. حیات بیگناهی را قربانی شخص گناهکار نباید کرد.

۳. جایز بودن سقط جنین در شرایطی تنها اختصاص به جنین از نطفه مشروع دارد.

۴. رسوایی زناکار در میان مردم باعث می‌شود از تکرار زناکاری امتناع ورزد.

۴. نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه در دو بخش پژوهش حاضر ذکر شد، می‌توان از جمله یافته‌های پژوهش حاضر به موارد ذیل اشاره کرد:

شکی نیست که اسقاط جنین در همه مراحل رشد و تکامل از بدو انعقاد نطفه تا ولادت از محرمات قطعی شرع مقدس اسلام است و این مطلب از ادله چهارگانه: قرآن، روایات، عقل و اجماع به وضوح استنباط می‌شود امام خمینی با استناد به آیه شریفه ۱۵۱ سوره انعام می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ بِالْحَقِّ؛ و نفسی را که حرام کرده جز به حق به قتل نرسانید». بیان می‌دارد که این آیه به حرمت قتل نفس پس از اتمام خلقت و ولوج روح دلالت دارد.

سقط جنین همواره نزد صاحب نظران حقوق جزا به عنوان یکی از موضوع‌های اساسی حقوق کیفری مطرح بوده است. سقط جنین یک از راه‌های جلوگیری از تولد ناخواسته کودکان، که از جانب والدین آن‌ها صورت می‌گیرد. سقط جنین در جوامع مختلف شرایط خاص و ویژه خود را دارد همان طور که در قانون کشور ما که مطابق شرع اسلام می‌باشد سقط جنین جرم انگاری شده و برای انجام آن نیز مجازاتی را نیز در نظر گرفته، اما به مرور زمان سقط جنین درمانی را تحت شرایط قانونی پذیرفته است که البته داری کاستی‌هایی می‌باشد.

با تامل بیشتر در آیات قرآن مشاهده می‌شود که، خداوند متعال در تبیین مراحل مختلف تکوین جنین، همه جا کلمه خلق را بیان می‌دارد. ولی در مرحله دمیدن روح، واژه انشاء را جاری می‌سازد. تغییر یافتن این عبارت، گویای این واقعیت است که مرحله انشاء با مراحل دیگر فرق دارد. در مراحل قبل، تنها تغییر فیزیکی و مادی صورت می‌پذیرد. اما تغییری که در مرحله انشاء انجام خواهد گرفت، یک تغییر ماهوی است. در حقیقت مرحله ایجاد یک انسان است. یعنی موجودی که دارای حیات، علم و قدرت می‌شود

اسلام به دلیل ارزشی که برای انسان قائل است برای جنین حتی در مرحله انعقاد نطفه و قبل از دمیده شدن روح، کرامتی در نظر گرفته است. لذا حفظ و نگهداری او را وظیفه همگان و به ویژه والدین آن می داند. آنچه در این مطالعه مورد جستجو و تحقیق قرار گرفته، این است که آیا از دیدگاه اسلام، مخصوصاً از دیدگاه فقه شیعه، سقط جنین مطلقاً ممنوع و حرام است و یا اینکه می‌توان برای آن استثنائاتی در نظر گرفت. آیا اسلام سقط جنین را در مواردی مجاز خواهد دانست. و در نهایت، مدافعان سقط جنین سعی می‌نمایند تا وانمود کنند، جنین هیچوقت نمی‌تواند یک انسان بالفعل باشد. چون ویژگی‌ها و ممیزات یک انسان را ندارد. لذا نمی‌تواند در زمره آن قرار گیرد.

مراجع

قرآن کریم

- ابن فارس، ابوالحسن. (۱۴۰۴ق). معجم‌المقیائیس‌اللغه. قم: مکتب‌الاعلام‌الاسلامی، جلد سوم، ص ۴۹.
- معلوف، لويس. (۱۹۹۲م). المنجد فی‌اللغه. بیروت: منشورات دارالمشرق، چاپ سی‌وسوم، ص ۳۳۹.
- علی اکبری بابوکانی، احسان. علی اکبری بابوکانی، محسن. شاکری، محسن. (۱۳۹۰). پژوهش فقهی حقوقی پیرامون احکام اسقاط جنین در فقه امامیه، عامه و حقوق ایران، بلاغ مبین. شماره ۲۶ و ۲۷، ص ۳-۴۶.
- قبله‌ای خویی، خلیل. (۱۳۸۷). مسائل مستحدثه (جنین، کودکان نامشروع، کودکان بزهکار، توارث در اهدای گامت، تشریح و حجب). سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.
- استیون لوپر. (۱۳۹۲). سقط جنین، اطلاعات حکمت و معرفت. ترجمه میترا سرحدی، شماره ۹، صص ۵۲-۵۷.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۹۹۰). لسان‌العرب، بیروت: دارالفکر.
- عمید، حسن. (۱۳۷۹). فرهنگ عمید. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ شانزدهم، ص ۶۲۲.
- اسماعیلی، حسین. (۱۳۹۴). بررسی سقط جنین در صورت به خطر افتادن جان مادر و جنین، فقه پزشکی، شماره ۲۲ و ۲۳، ص ۷۵-۱۰۶.
- آبروش، هیرو. (۱۳۹۰). سقط جنین در بارداری ناشی از جرایم جنسی در پرتو قانون سقط درمانی، حقوق پزشکی، شماره ۱۷، ص ۱۴۱-۱۷۲.
- وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه. (۱۹۹۳). الموسوعه الفقهيّه، الكويت: الطبعة الرابعة.
- شیخ آزادی، اردشیر. و توفیقی، حسن. (۱۳۸۶)، "گزارش یک مورد مرگ مادر به دنبال سقط جنین جنایی"، فصلنامه‌ی بررسی سقط جنین (از منظر پزشکی، حقوقی، فقهی اخلاقی-فلسفی، روان شناختی، جامعه شناختی)، مجموعه مقالات سمینار میان رشته‌ای سقط جنین، پژوهشکده‌ی ابن سینا.
- مهربانی، علی. (۱۳۸۰). بررسی جرم سقط جنین از دیدگاه حقوق جزا و فتاوی‌ای علماء/ قسمت اول، دادرسی، شماره ۲۸، صص ۳۰-۳۴.
- حرعاملی، محمدبنحسن. (۱۴۱۶ق). وسائل‌الشیعه. قم: انتشارات آل‌البیت، سیج‌لدی، جلد نوزدهم، ص ۱۵.
- محمدی، قاسم. (۱۳۹۳). رهیافتی فقهی به ملاک تجویز و انتخاب در کاهش جنین، فقه پزشکی، شماره ۲۰ و ۲۱، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- قاری سیدفاطمی، م. (۱۳۹۰). حقوق بشر در جهان معاصر. دفتر دوم، تهران: شهردانش، چاپ یکم، صص ۲۹ و ۳۸.
- خویی، ابوالقاسم. (۱۴۲۲). مبانی تکمله‌المنهاج، قم: مؤسسه احیای آثار الامام الخوئی.

- مکارم شیرازی، ن. (۱۴۱۶). *القواعد/فقهیه*. قم: مدرسه الامام امیرالمومنین، الطبعة الرابعة، ص ۱۹۵.
- زرگوش نسب، عبدالجبار. علی محمدی، طاهر. (۱۳۸۹). *اسقاط جنین از دیدگاه فقه‌های عامه و امامیه*. فقه و حقوق خانواده. شماره ۵۲، ص ۱۳۱-۱۵۰.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۸). *آداب، سنت‌ها، شعایر، مراسم، مناسک، لغت‌نامه دهخدا*، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۸۴). *بررسی فقهی و حقوقی سقط جنین با رویکردی بر نظریات حضرت امام خمینی(ره)*، پژوهشنامه متین. شماره ۲۹ و ۳۰، ص ۴۱-۵۶.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۲). *جرائم علیه اشخاص*، تهران: جاودانه، جنگل.
- گودرزی، فرامرز. (۱۳۹۲). *پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق*، تهران: انتشارات سمت، ص ۲۷۴.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۷۴). *مسائل خانواده*. ترجمه بخش‌هایی از تحریرالوسیله امام خمینی. انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد بن مکی. (۱۴۱۴ق). *غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد*. جلد چهارم، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن الحزم. (۱۹۹۸). *المحلی بالآثار*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عابدین، محمد امین. (۱۳۸۹). *حاشیه ابن عابدین*، بیروت: دارالفکر، الطبعة الثانية.
- کمال الدین محمد بن عبدالواحد. (بی تا). *شرح فتح القدير للعاجز الفقير*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- احمد علیش، محمد. (۱۹۷۸). *الدسوقي علی الشرح الكبير*، بی جا: بی نا.
- مالک بن انس. (۲۰۰۸). *الموطأ*، بیروت: مؤسسه الریان.
- الرملي، شمس الدین. (۱۹۹۳). *نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۳۴۸). *المغنی*، القاهرة: مطبعة المنار.
- قاضی زاده، افندی. (بی تا). *نتائج الافکار فی کشف الرموز والافکار*، بی جا: دارالفکر.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۷۷). *جامع المسائل*، چاپ پنجم، قم: انتشارات مهر.
- حسینی خامنه‌ای، علی. (۱۳۸۰). *رساله اجوبه الاستفتائات*، احمد رضا حسینی، تهران: انتشارات بین المللی هدی، چاپ اول.
- رملي انصاری، شمس الدین محمد بن ابی عباس. (۱۳۸۶). *نهاية المنهاج*، جلد هشتم، قاهره: مطبعة مصطفى الحلبي.